

سرمقاله

غلبه بعد روانی

مکانیسم ماشه بر واقعیت‌ها

ادامه‌از صفحه یک...تحلیل عمیق و ارائه راهکارهای عملی هستند. رشد شاخص کفایت سرمایه بانک‌ها طی سال‌های اخیر، اگرچه رو به افزایش بوده، اما ابعاد مختلفی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. اولاً، این یک الزام قانونی و جهانی در نظام بانکردنی است. بانک‌ها باید سرمایه کافی داشته باشند تا بتوانند ریسک وام‌دهی را پوشش داده و در صورت بروز مشکل، از آورده سهام‌داران برای جبران زیان‌ها استفاده کنند، نه اینکه متکی به بانک مرکزی یا دولت باشند. این "مسپر دفاعی" برای پایداری مالی بانک‌ها حیاتی است. ثانیاً، در شرایط تورمی کنونی که ارزش دلار افزایش یافته و نیاز ریالی بنگاه‌ها برای تأمین سرمایه در گردش مواد اولیه رو به رشد است، افزایش کفایت سرمایه به بانک‌ها امکان می‌دهد تا وام‌دهی کلان خود را حفظ کنند. بدون افزایش این شاخص، ظرفیت تأمین مالی بنگاه‌ها در چنین شرایطی کاهش می‌یابد که به ضرر رشد اقتصادی است. بنابراین، افزایش کفایت سرمایه هم یک الزام قانونی است، هم مصلحت پایداری مالی بانک‌ها را تضمین می‌کند و هم به آنها اجازه می‌دهد تا وظیفه اصلی خود، یعنی تأمین مالی مشتریان را به نحو احسن انجام دهند. این حفظ و تقویت این روند، بانک مرکزی نقش محوری دارد. در بخش بانک‌های دولتی، سرمایه‌گذاری دولت ضروری است، هرچند که در شرایط اقتصادی فعلی کار دشواری است. در مورد بانک‌های خصوصی، بانک مرکزی باید آنها را به افزایش سرمایه تشویق کند و تجدید ارزیابی دارایی‌های بانک‌ها را پذیرد. فشار بر واگذاری دارایی‌های غیرمرتبط، در شرایط فعلی که بازارها مطلوب نیستند، اولویت ندارد. رویکرد باید بر تقویت بنیه مالی بانک‌ها از طریق مکانیزم‌های داخلی و نه فروش اجباری دارایی‌ها متمرکز شود. ناترازی شبکه بانکی، یکی از چالش‌های مزمن اقتصاد ایران است که اثرات منفی گسترده‌ای بر کل سیستم اقتصادی دارد. در اینجا باید بین "ناترازی مالی" و "ناترازی نقدینگی" تمایز قائل شد. خوشبختانه، ناترازی مالی بانک‌ها کم است، آنچه که امروز مسئله اصلی نظام بانکی ماست، "ناترازی نقدینگی" است. با راکد شدن بازارهای مسکن و بورس، بانک‌ها نمی‌توانند دارایی‌های خود را به سرعت نقد کنند و این امر، برقراری کراز نقدینگی آنها را با مشکل مواجه می‌سازد. برای خروج از این وضعیت، چند راهکار می‌توان متصور شد. یک راه حل، که نمونه‌های مشابه آن در ایالات متحده نیز دیده شده، این است که بانک مرکزی دارایی‌های غیرنقدشونده بانک‌ها را خریداری کند. این اقدام، اگرچه در ابتدا می‌تواند منجر به افزایش اندک پایه پولی شود، اما با فروش تدریجی این دارایی‌ها در آینده، می‌توان اثرات تورمی آن را کنترل کرد. همچنین، بانک مرکزی می‌تواند وابستگی بانک‌ها به تأمین کسری نقدینگی از خودش را کاهش دهد. به عنوان مثال، "سطح مالی دولت" است. زمانی که دولت‌ها بر اوراق قرضه، املاک و سایر دارایی‌های غیرنقدشونده را نیز از بانک‌ها بپذیرد. این کار به بانک‌ها کمک می‌کند تا تراز نقدینگی خود را بهبود بخشند. یکی دیگر از عوامل مهم در بروز ناترازی‌ها، "سطح مالی دولت" است. زمانی که دولت‌ها هزینه‌های خود را پرداخت نمی‌کنند یا وام‌هایی که از بانک‌ها دریافت کرده‌اند را تسویه نمی‌کنند، این امر مستقیماً به ناترازی نظام بانکی دامن می‌زند. راه حل این است که دولت بدهی‌های خود را حداقل به شکل اوراق، تسویه کند. اگرچه این اوراق به سرعت به پول نقد تبدیل نمی‌شوند، اما بانک‌ها می‌توانند از آنها برای تسویه برخی بدهی‌های خود استفاده کنند و این خود قدمی مهم در جهت کاهش فشار نقدینگی است. در شرایط رکود تورمی کنونی اقتصاد کشور، بحث بر سر اتخاذ سیاست‌های انبساطی یا انقباضی همواره داغ بوده است. برخی طرفدار سیاست‌های انبساطی برای تحریک رشد اقتصادی هستند و برخی دیگر سیاست‌های انقباضی را برای کنترل تورم ضروری می‌دانند. به نظر من، رویکرد میانه بانک مرکزی که اندکی سیاست انبساطی را اعمال کرده و سپس واکنش بانک‌ها را رصد می‌کند، روش منطقی است. این یک "صفر و یک" نیست، باید به تدریج رفت و وضعیت را بررسی کرد. اگر مشاهده شود که اثر تورمی افزایش سیاست انبساطی جدی نیست، می‌توان ادامه داد و در صورت بروز علائم تورم شدید، ترمز را کشید.

یادداشت

سفر جولانی به آمریکا

پدیده ناموزون در مناسبات جهانی

ادامه از صفحه یک...گوتانائو به سر می‌برد، ادامه داد: این فرد با کمک آمریکا و انگلیس تغییر چهره داد و از لباس تروریستی خارج شده و لباس رهبری کشوری را بر تن کرد. سفر جولانی به آمریکا با عکس العمل منفی مردم این کشور و روشنفکران آن مواجه شده است. آنقدر این دیدار غیر قابل پذیرش بود که مراسم رسمی هم برگزار نشد. این دیدار نشان‌دهنده این است که آمریکایی‌ها معیارها و ارزش‌های قابل قبول جامعه جهانی را زیر پا گذاشتند و مصالح هدف وسیله را توجیه می‌کنند، هستند. یعنی اصالت را در حفظ قدرت خودشان می‌دانند و برای حفظ قدرت همه ترغندها مثل جنگ، تجاوز، اشغال کشورها و حتی به‌غش کشیدن تروریست‌ها را انجام می‌دهند. این مسیر آمریکا قبلاً هم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ طی و تجربه شده است؛ در جریان انفجار برج‌های دوقلو و به پنهان آن؛ به افغانستان برای مبارزه با طالبان حمله کردند اما پس از ۱۰ سال حضور ناتو، آمریکایی‌ها حاضر شدند با این گروه تروریستی مذاکره کنند و بعد هم فضایی را فراهم کردند تا این گروه در افغانستان حاکم شود. این اقدام نشان‌دهنده سست بودن موانع فکری لیبرال دموکراسی است و این مهم که یک زمانی که به قول غربی‌ها برای نجات انسان‌ها آمده بود، امروز علیه انسانیت عمل می‌کند. یکی از اهداف اصلی این سفر، اطمینان آمریکا از تأمین امنیت رژیم اسرائیل است و راهبرد اصلی کاخ سفید این است که این رژیم از طرف همسایگان احساس خطر نکند.

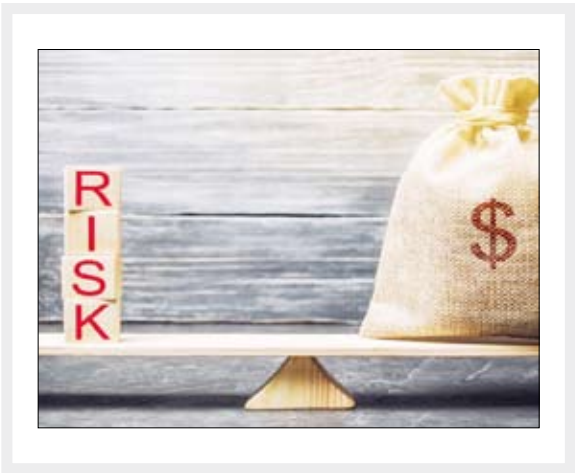
کالاها با قیمت ثابت از طریق کالا برگ الکترونیکی عرضه شود



علی بابایی کارنامی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با اشاره به صحبت‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره عرضه کالاها با قیمت ثابت از طریق کالا برگ الکترونیکی، گفت: عرضه کالا با قیمت ثابت همان چیزی است که در قانون آمده است. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس یادآور شد: مجلس در قانون بودجه ۱۴۰۱ تصویب کرد که باید هر نوع کالاها متأثر از نرخ ارز برای برخی از دهک‌های جامعه به قیمت شهریور ۱۴۰۰ عرضه شود؛ امروز هم این موضوع مورد بحث است، اما متأسفانه هنوز به درستی اجرا نمی‌شود. وی ادامه داد: اکنون سبب درآمدی که از تأثیر ارزی شکل گرفته، به گروه داده نمی‌شود لذا سیاست آزادسازی ارز فشار زیادی به دوش دهک جامعه وارد کرده که تقریباً بیش از ۸۰ درصد مردم را شامل می‌شود. بابایی کارنامی ادامه داد: بر این اساس باید کالاها از طریق کالا برگ الکترونیکی به قیمت ثابت عرضه شود. در این شرایط حتی اگر منابع مورد نیاز برای پرداخت «کالا برگ الکترونیکی» از ۳۳ همت به ۵۰ همت هم رسید، ایرادی ندارد چون در نهایت اقتصاد به ثبات می‌رسد. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس کارنامی بیان کرد: باید برای یک‌بار ریسک کنیم؛ بعد از تأمین منابع حقوق و دستمزد دو در مان، باید سراغ کالا برگ الکترونیکی برویم.

«تجارت» اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی را بررسی کرد؛

کفایت سرمایه؛ گره پنهان نظام بانکی ایران



جمله با ابلاغ بر نامه‌های اصلاحی به بانک‌هایی که نسبت کفایت سرمایه پایین دارند، الزام به افزایش سرمایه از محل واقعی، و اعمال نظارت سخت‌گیرانه‌تر بر تسهیلات کلان و مرتب. همچنین برنامه‌ای برای ارتقای شفافیت صورت‌های مالی بانک‌ها و الزام به گزارش دهی بر اساس استانداردهای بین‌المللی IFRS در دست اجراست. این اقدامات در مسیر درستی قرار دارند، اما هنوز فاصله زیادی تا تحقق کامل اهداف وجود دارد.

اصلاح کفایت سرمایه؛ گامی برای بهبود نظام بانکی کشور

اصلاح کفایت سرمایه در واقع بخشی از یک اصلاح گسترده‌تر است که به بازطراحی نظام بانکی مربوط می‌شود. تا زمانی که ناترازی ترازنامه‌ها، تسهیلات تکلیفی، و وابستگی بانک‌ها به سیاست‌های غیر مالی پابرجاست، بهبود کفایت سرمایه پایدار نخواهد بود. اگر بانکی ناچار است هر سال بخش بزرگی از منابعش را صرف وام‌دهی دستوری کند، طبیعی است که ریسک دارایی‌هایش بالا می‌رود و نیاز به سرمایه بیشتری دارد؛ سرمایه‌ای که معمولاً در اختیارش نیست. به بیان دیگر، کفایت سرمایه تنها یک شاخص حسابداری نیست؛ آینه‌ای است که تمام مشکلات ساختاری نظام بانکی را منعکس می‌کند. وقتی نسبت کفایت سرمایه پایین است، در واقع نشانه‌ای از مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌هاست: ضعف در مدیریت ریسک، نبود شفافیت، وابستگی به دولت، تورم بالا، و فقدان انضباط مالی.

نقش بازار سرمایه در بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها

بازار سرمایه می‌تواند در این مسیر نقش مهمی ایفا کند. اگر بانک‌ها به درستی شفاف شوند و اطلاعات مالی خود را منتشر کنند، می‌توانند بخشی از سرمایه مورد نیاز را از طریق عرضه سهام جدید یا ابزارهای سرمایه‌ای در بورس تأمین کنند. این امر هم موجب افزایش سرمایه واقعی می‌شود و هم انضباط بازار را بر عملکرد بانک‌ها حاکم می‌کند. با این حال، نباید انتظار داشت که بهبود کفایت سرمایه در کوتاه‌مدت حاصل شود. این فرآیند تدریجی و زمان‌بر است. تحقق این هدف مستلزم آن است که بانک‌ها نه تنها سرمایه خود را افزایش دهند، بلکه ریسک‌های خود را نیز کاهش دهند. به عبارت دیگر، افزایش سرمایه زمانی مؤثر است که با

ثبات قوانین اقتصادی شرط لازم برای جذب سرمایه



گسترده‌ای در میان فعالان اقتصادی به وجود می‌آورد. این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: ثبات قوانین به معنای مخالفت با اصلاح نیست. طبیعتاً قوانین ممکن است با گذر زمان و تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی نیاز به بازنگری داشته باشند، اما

این اصلاحات باید هدفمند و مبتنی بر تحلیل کارشناسی باشد، نه اینکه هر دولت با نهاد اجرایی بنا به مصلحت

کوتاه‌مدت، قانون جدیدی وضع کند یا آیین‌نامه‌ها را تغییر دهد. شوریه‌چ به اشاره به آثار منفی تغییر مداوم قوانین گفت: یکی از نتایج ناگوار این تغییرات، گسترش فساد و رانت است. وقتی قوانین و مقررات ناپایدار باشند، زمینه برای سوءاستفاده افراد و گروه‌هایی فراهم می‌شود

تداوم پرداخت کالا برگ به هفت دهک در آمدی



شهیار حسن پور عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس درباره تغییرات در پرداخت کالا برگ الکترونیک، گفت: اخیراً مجلس در راستای انجام وظایف نظارتی‌اش، جلسه‌ای با حضور پورمحمدی - رئیس سازمان برنامه و بودجه، نوری وزیر جهاد کشاورزی و میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره پرداخت کالا برگ الکترونیک برگزار کرد که براساس جمع‌بندی صورت گرفته، مقرر شد کالا‌های توزیع شده از طریق کالا برگ براساس ارز ۲۸۵۰۰ تومانی بوده و مبنای محاسبه قیمت این کالاها بر مبنای ارز آزاد نباشد، لذا باید این کالاها با قیمت ثابت در اختیار مردم قرار گیرد به گونه‌ای که حتی یک سال بعد نیز مردم همان کالا را با قیمت امروز دریافت کنند. نماینده کرمان در مجلس یادآور شد: در دولت آقای رئیسی نیز توافقی درخصوص کالا برگ صورت گرفته بود تا کالاها به نرخ شهریور ۱۴۰۰ در اختیار مردم قرار گیرد که به هر دلیلی این کار انجام نشد؛ اکنون با هماهنگی و انسجام خوبی میان دولت و مجلس، این تفاهم حاصل شده که کالاها از طریق کالا برگ با قیمت ثابت عرضه شود تا ثبات ایجاد شود. مجلس شورای اسلامی از هر پیشنهاد دولت برای تثبیت وضعیت بازار و کاهش قیمت‌ها، استقبال کرده و همراهی و همکاری خواهد کرد.

اصلاح سمت دارایی‌ها هم‌راه باشد. اگر اختصار پریسک دارایی‌ها تغییر نکند، حتی افزایش چندبرابری سرمایه نیز مشکل را حل نخواهد کرد. در کنار اصلاح مالی، ارتقای شفافیت و پاسخگویی اهمیت ویژه‌ای دارد. سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران باید بدانند وضعیت واقعی هر بانک چیست. انتشار عمومی نسبت کفایت سرمایه، میزان مطالبات غیر جاری و سایر شاخص‌های سلامت بانکی می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و فشار اجتماعی برای اصلاح منجر شود. در حال حاضر، اطلاعات مالی بسیاری از بانک‌ها یا به موقع منتشر نمی‌شود یا به شکلی غیر قابل تحلیل ارائه می‌گردد. شفافیت، نخستین گام در مسیر اصلاح است.

سهم‌داری دولت در بانک‌ها؛ مانعی پیش روی اصلاح نظام بانکی

تا زمانی که دولت به عنوان سهامدار عمده در بسیاری از بانک‌ها حضور دارد، انگیزه کافی برای اصلاح واقعی وجود نخواهد داشت. افزایش سرمایه از محل بدهی‌های دولت به بانک‌ها، اگرچه از نظر حسابداری مفید به نظر می‌رسد، اما در عمل انتقال یک دارایی کم‌نقدشونده به ترازنامه بانک است که کمکی به پوشش ریسک نمی‌کند. دولت باید بپذیرد که حفظ سلامت نظام بانکی مهم‌تر از کنترل کوتاه‌مدت نقدینگی یا تأمین مالی تکلیفی است. در نهایت، بهبود کفایت سرمایه، نه با خشنامه و عددسازی، بلکه با تغییر فرهنگ مالی و مدیریتی بانک‌ها امکان‌پذیر است. بانک‌ها باید درک کنند که سرمایه کافی نه یک هزینه اضافی، بلکه شرط بقاست. در جهانی که نوسانات اقتصادی و سیاسی مداوم است، تنها بانک‌هایی دوام می‌آورند که ترازنامه‌ای شفاف و سرمایه‌ای واقعی دارند. در غیر این صورت، هر شوک ارزی یا رکود اعتباری می‌تواند آن‌ها را از پا درآورد. نظام بانکی ایران سال‌هاست که بار سنگین تأمین مالی دولت و بخش‌های مختلف اقتصادی را بر دوش می‌کشد. اما این بار بیش از حد سنگین شده است. اگر قرار است بانک‌ها بتوانند در آینده نیز نقش خود را در رشد اقتصادی ایفا کنند، باید ابتدا خودشان را بازسازی کنند. کفایت سرمایه، در این میان، نخستین گام در مسیر بازسازی است. در نهایت آنچه که می‌توان به عنوان جمع بندی گفت این است که اصلاح نظام بانکی ایران ممکن است دشوار، پرهزینه و زمان‌بر باشد، اما تأخیر در آن به مراتب پرهزینه‌تر خواهد بود. بی‌توجهی به شاخص‌هایی مانند کفایت سرمایه، می‌تواند به بحرانی منجر شود که هزینه‌اش نه فقط بر دوش بانک‌ها، بلکه بر دوش کل جامعه سنگینی کند. به همین دلیل است که باید این شاخص را نه به عنوان یک عدد فنی در گزارش‌های بانکی، بلکه به عنوان شاخصی از سلامت اقتصادی کشور جدی گرفت. امروز نشانه‌هایی از تغییر دیده می‌شود: افزایش سرمایه بانک‌ها، اصلاح صورت‌های مالی، و برنامه‌های نظارتی جدید بانک مرکزی. این‌ها همه گام‌های مثبت‌اند، اما هنوز مسیر طولانی در پیش است. در نهایت، موفقیت این اصلاحات به یک عامل کلیدی بستگی دارد: اراده برای اصلاح واقعی. اگر اراده وجود داشته باشد، تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ظرف چند سال می‌توان به سطح مطلوبی از کفایت سرمایه رسید. اما اگر اصلاحات به شکل ظاهری و عددسازی ادامه یابد، هرچند ممکن است شاخص‌ها در گزارش‌ها بهتر به نظر برسند، اما در واقعیت، نظام بانکی همچنان شکننده باقی خواهد ماند. کفایت سرمایه، آینه‌ای از آینده نظام بانکی است. تصویری که امروز در این آینه می‌بینیم، هنوز پراز ابهام و چالش است، اما می‌توان از اصلاح تدریجی، انضباط مالی و شفافیت، آن را روشن‌تر کرد. پایداری اقتصاد ایران، بیش از هر چیز، به پایداری نظام بانکی‌اش گره خورده است؛ و کفایت سرمایه، کلید این پایداری است.

طی سال‌ها بدون تغییر باقی مانده و همین ثبات، رمز موفقیت آن‌ها در جذب سرمایه و توسعه اقتصادی بوده است. ما نیز باید در مسیر قانون‌گذاری، به جای تصمیمات مقطعی، به نگاه راهبردی و بلندمدت توجه کنیم. وی تأکید کرد: سخنان مدنی‌زاده درباره لزوم استفاده از قوانین دائمی در تصمیم‌سازی‌های دولت کاملاً درست و منطقی است. وزارت اقتصاد باید پرچم‌دار تثبیت مقررات باشد و با هماهنگی سایر دستگاه‌ها، مانع از صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های مکرر و متناقض شود. شوریه‌چ گفت: ثبات در قانون‌گذاری اقتصادی به معنای ایجاد آرامش در فضای کسب و کار است. هرچه قوانین پایدارتر و تصمیمات شفاف‌تر باشد، اعتماد عمومی و انگیزه سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند. مجلس نیز در این زمینه باید در سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای عمل کند که بخش خصوصی با اطمینان و امنیت، موتور محرک رشد اقتصادی کشور شود.

افزایش عدالت در نظام مالیاتی با استقرار کامل صورت حساب الکترونیک



این مسائل باعث می‌شد که روندهای مالیاتی کشور از انضباط بالایی برخوردار نباشد و مورد اعتماد مودیان قرار نگیرد. تیزهوش تابان گفت: استفاده از روندهای هوشمند مالیات‌ستانی و صدور صورت حساب الکترونیک می‌تواند به حل مشکلاتی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، کمک کند. در این سازو کارها، اطلاعات معاملات ثبت و ضبط می‌شود و همین داده‌ها مبنای مالیات‌ستانی قرار می‌گیرند. بنابراین، امکان اعمال عدالت مالیاتی بیشتر به وجود می‌آید. رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه در پایان گفت: استقرار صورت حساب الکترونیک علاوه بر حمایت مستقیم از مودیان شفاف و قانون‌مدار و کاهش فرار مالیاتی حاصل از فاکتورهای جعلی و حمایت از حفظ نقدینگی بنگاه‌ها، منجر به تقویت رقابت‌پذیری در اقتصاد و ایجاد نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه نیز خواهد شد.

گروه اقتصاد کلان: غلام‌رسل توکل شوریه‌چ، در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به اظهارات وزیر اقتصاد در شورای گفت‌وگو ی دولت و بخش خصوصی گفت: ثبات در قوانین اقتصادی و جلوگیری از تغییرات پایپی مقررات یکی از پیش شرط‌های اساسی برای رونق تولید، افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشور است. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد تغییرات متعدد و گاه متناقض در قوانین حوزه اقتصاد، کسب و کار و صادرات بوده‌ایم که این مسئله فضای فعالیت را برای بخش خصوصی بسیار دشوار کرده است. وی گفت: فعالان اقتصادی برای برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز به اطمینان از پایداری قوانین دارند. وقتی مقررات هر سال یا حتی در بازه‌های کوتاه تغییر می‌کند، هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست منابع خود را در تولید به کار گیرد. این ناپایداری در سیاست‌ها و تصمیمات اقتصادی نه تنها موجب رکود در بخش تولید می‌شود بلکه بی‌اعتمادی

گروه اقتصاد کلان: هادی تیزهوش تابان، رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه در خصوص اصلاح نظام مالیاتی کشور و اقداماتی همچون صدور صورت حساب الکترونیک اظهار کرد: در روندهای قدیمی و سنتی مالیات‌ستانی نقش ممیز مالیاتی بسیار پررنگ بود و همین امر بستر ساز مشکلاتی می‌شد؛ لذا استفاده از روندهای هوشمند و صدور صورت حساب الکترونیک در راستای افزایش کیفیت نظام مالیاتی کشور یک امر مثبت است. رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه ادامه داد: روندهای دستی مالیات‌ستانی باعث بروز خطای انسانی می‌شد. همین امر مشکلات جدی در روند دریافت مالیات ایجاد می‌کرد. همچنین این امکان وجود داشت که برخی سوءاستفاده‌ها رخ دهد. وی خاطر نشان کرد: در گذشته، زمینه مالیات به روش‌های دستی و ممیز محور زمینه اعمال سلیقه مأمور مالیاتی را در روندهای مالیات‌ستانی به وجود می‌آورد.